



## Feminine writing style in the novel *Mozakkarat Tbibah* by Nawal Al-Saadawi

Umm al-Banin Barani<sup>1</sup>, Ali Asghar Habibi\*<sup>2</sup>, Ali Akbar Ahmadi Chenari<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Master of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

<sup>3</sup> Associate Professor, Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
**Research Article**

**Received:**

**15/05/2024**

**Accepted:**

**03/08/2024**

Feminine writing style is the result of specific feminine point of view and seeks to examine linguistic and thematic features of Feminine writing style. Creating feminine fiction and female characters in their stories, female writers want to introduce female literature and sex. As a feminist writer, Nawal El Saadawi (1931- ) has written many feminist style books. The novel 'Muzekerat Tabibah' (Memoirs of a Woman Doctor) is an example of her works. She protests against the patriarchic system that stems from social-religious traditions and tries to promote feminine writing and defend social, intellectual, cultural and legal status of women by applying features of feminine language. The present research seeks to explore this novel from the viewpoint of feminine writing style in two lexical and syntactic levels using a descriptive-analytical approach. The findings of this research show that the most frequent stylistic elements used in this novel at the lexical level include use of color words, intensifiers, and feminine words and at the syntactic level include use of exclamatory sentences, expressions containing hesitation, incomplete sentences.

**Keywords:** *Feminist stylistics, women's writing style, Nawal Al-Saadawi, Nawal El Saadawi, Muzekerat Tabibah.*

**Cite this article:** Barani, U. & Habibi, A.A. & Ahmadi Chenari, A.A. (2024) *Feminine writing style in the novel Mozakkarat Tbibah by Nawal Al-Saadawi*, year1, issue1, Pp 153-176. Doi: 10.22034/jisall.2024.202890

© The Author(s).

**Publisher:** University of Zabol



**\*Corresponding Author:** Ali Asghar Habibi

**Address:** Associate Professor, Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

E-mail: ali\_habibi@uoz.ac.ir



سبک نوشتار زنانه در رمان مذکرات طیبیه اثر نوال السعداوی

ام‌البنین بارانی<sup>۱</sup>، علی‌اصغر حبیبی<sup>۲\*</sup>، علی‌اکبر احمدی چناری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۲۶

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۱۳

سبک نوشتار زنانه محصول زاویه دید و منظر خاص زنانه است و در پی آن است که ویژگی‌های زبانی و محتوایی آثار زنان را مورد بررسی قرار دهد. نویسندگان زن، با خلق داستان‌های زنانه و ایجاد شخصیت‌های زن در داستان‌هایشان به دنبال آن هستند که ادبیات و جنس زنانه را مطرح کنند. نویسنده زن مصری، نوال السعداوی (۱۹۳۱-۲۰۲۱) به عنوان نویسنده‌ای فمینیست، آثار نقدی و داستانی زیادی را به سبک زنانه خلق نموده‌است؛ نمونه این آثار، رمان «مذکرات طیبیه» است. وی در این رمان به نظام مردسالاری ناشی از سنت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی اعتراض می‌کند و سعی می‌کند با کاربرد مشخصه-های زبان زنانه، زنانه‌نویسی و دفاع از جایگاه اجتماعی، فکری، فرهنگی و حقوقی زنان را رواج دهد. پژوهش حاضر بر آن است با تکیه بر رویکرد توصیفی-تحلیلی، رمان «مذکرات طیبیه» را از دیدگاه زنانه نویسی در دو سطح واژگانی و دستوری مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پرکاربردترین عناصر سبکی در این رمان در سطح واژگانی شامل کاربرد رنگ‌واژه‌ها، ضمیرها، واژگان احساسی و عاطفی، تشدیدکننده‌ها و واژه‌های متعلق به حوزه زنان و در سطح دستوری شامل کاربرد جمله‌های ساده و کوتاه، پرسشی، تعجبی و ناتمام و ترکیب‌های دربردارنده شک و تردید است. **کلمات کلیدی:** سبک‌شناسی فمینیستی، سبک نوشتار زنانه، نوال السعداوی، مذکرات طیبیه.

استناد: بارانی، ا. حبیبی، ع.ا. احمدی چناری، ع.ا. (۱۴۰۳). سبک نوشتار زنانه در رمان مذکرات طیبیه اثر نوال

السعداوی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۷۶. Doi: 10.22034/jisall.2024.202890



حقوق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

\*- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسئول): ali\_habibi@uoz.ac.ir

این مقاله با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه زابل به شماره گرنت **UOZ-GR0941** انجام شده است.

## مقدمه

سبک نوشتار زنانه به عنوان یکی از زیرشاخه‌های سبک‌شناسی، ساختار زبان زنان و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و تفاوت‌های بین نوشتار زنان با نوشتار مردان را در سطوح زبانی و محتوایی تبیین می‌کند. در قرن اخیر، زنان پس از سال‌ها دوری از عرصه‌های مختلف توانستند، آفرینندگی و خلاقیت خود را بروز دهند و در حوزه‌های مختلف و همچنین در ادبیات و نگارش، حضوری گسترده داشته باشند. آنان در آثارشان با لحن زنانه، حالت‌های روحی و عاطفی شخصیت‌های داستانی خود را به زیبایی به تصویر کشیدند و با مشخصه‌ها و ویژگی‌های زنانه خود توانستند، ارتباط کلامی میان انسان‌ها را هم در سبک، و هم در لحن، زبان و احساس تغییر دهند.

نخستین کوشش ادبیات فمینیستی در غرب و به تبع آن در کشورهای عربی، اعتراض به این نمود ادبی بوده است و زنان داستان‌نویس در آثار خود به تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسیتی و بیان آلام خویش می‌پردازند و حقوق خود را مطالبه می‌کنند. محور اغلب داستان‌های زنان بیان درد و عقده‌گشایی با بینش اجتماعی بوده است (آذری، ۱۳۹۱: ۳۵). زنان با زبان و روایت‌های زنانه خود به دنبال ابراز کردن جنس فرودست جامعه هستند. آنان دربارهٔ موقعیت خود در جامعه و نابرابری‌های اجتماعی، در آثار خود می‌نویسند و در این روند از زبانی متفاوت با زبان مردان بهره می‌گیرند؛ زیرا آنها به دلیل زن بودن با عواطف و روحیات زنان آشنایی کافی داشته، می‌توانند با لحن زنانه خود مصائب و آرزوهایشان را به تصویر بکشند.

از میان زنان روشنفکر عرب، نوال السعداوی (۱۹۳۱-۲۰۲۱) در مقام نویسنده و مدافع حقوق بشر و به طور خاص مدافع حقوق زنان مصر، چهره‌ای برجسته دارد که به دلیل برخورداری از سادگی، صراحت، روایت و فضاسازی زنانه در آثارش، در بین نویسندگان زن از تشخیص سبکی برخوردار است. رمان «مذکرات طبیئه» با سبکی زنانه، دربردارندهٔ اعتراض وی به تفاوت بین دو جنس، سلطه مردان بر زنان و نقد جامعهٔ مردسالار است. وی فریادهای نهفته و گفته‌های نگفتهٔ خود را به تصویر کشیده و نابرابری‌های اجتماعی را درهم شکسته است.

از این رو و با توجه به نقش برجستهٔ این نویسنده در بیان مسائل زنان با تکیه بر سبک زنانه، نگارندگان در این پژوهش سعی دارند با تکیه بر رویکرد توصیفی-تحلیلی، عناصر سبکی رمان «مذکرات طبیئه» نوال السعداوی را از منظر سبک نوشتار زنانه در بوتۀ نقد و بررسی قرار دهند.

## ۱-۱. سؤال‌های تحقیق:

۱- اصلی‌ترین علت‌های اهتمام نویسنده به سبک نوشتار زنانه چیست؟

۲- در سطح دستوری کدام ویژگی‌های سبک نوشتار زنانه در رمان «مذکرات طیبیه» از بسامد بیشتری برخوردار است؟

۳- در سطح واژگانی کدام ویژگی‌های سبک نوشتار زنانه در رمان «مذکرات طیبیه» بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است؟

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی پیرامون آثار نوال السعداوی انجام شده است؛ از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: طایع (۱۹۷۶) در مقاله خود با عنوان «المرأة فی کتابات نوال السعداوی» به بررسی کتاب «المرأة والجنس» و رمان «إمرأتان فی إمرأة السعداوی» پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کتاب «المرأة والجنس» دربردارنده مسائل زنان از دیدگاه تاریخی، روانشناختی و اجتماعی است و رمان «إمرأتان فی إمرأة نشان‌دهنده عشق حقیقی در زندگی زن و شخصیت وی و بازگوکننده نظریات نویسنده در کتاب «المرأة والجنس» است. بایزید (۲۰۱۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «الکتاب الروائیة النسویة العربیة بین سلطه المرجع وحرية المتخیل» به بررسی رمان‌های أحلام مستغانمی، فضیله فاروق و رمان «مذکرات طیبیه» نوال السعداوی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تفاوت بین مردان و زنان، اعتراض به جامعه مردسالاری، تلاش برای کشف فردیت، هویت زنانه، بیان احساسات و تجربه‌های زنانه در رمان‌های نویسندگان مذکور از بسامد بالایی برخوردار است. ابراهیم محمدی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نوال السعداوی و گونه ادبی رمان نفت» به بررسی رمان «الحب فی زمن النفط»، با تکیه بر نظریه رمان و قواعد تعریف انواع رمان پرداخته‌اند و نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که آثار دربرگیرنده مؤلفه‌هایی چون نفت و مسائل و پیامدهای مربوط به آن، می‌توانند زیر عنوان رمان نفت قرار گیرند.

با توجه به موارد مطرح شده مشخص می‌شود، گرچه سبک نوشتار زنانه در آثار دیگر نویسندگان مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما پژوهشی مستقل درباره بررسی سبک نوشتار زنانه در رمان «مذکرات طیبیه» نوال السعداوی صورت نگرفته که همین عامل ضرورت آن را دوچندان می‌کند.

### ۳-۱. بیان مسأله

تحقیق در حوزه سبک زبان زنانه، مبتنی بر این مسأله است که زنان به چه کاربردها و صورت‌هایی از زبان بیشتر گرایش دارند. در ذات زبان، مسأله زنانه‌نویسی و در نظر گرفتن چیزی به عنوان زبان زنانه وجود ندارد و زبان الزاماً دارای تمایزات جنسی نیست، بلکه مد نظر قرار دادن نوشتار و گفتار زنانه به مسأله جنسیت در زبان مربوط می‌شود. زبان‌شناسان برای جلوگیری از ابهام از دو اصطلاح جنس (Sex) و جنسیت (Gender) استفاده می‌کنند. جنس به ویژگی‌های زیست‌شناسی و فیزیکی مرد و زن مربوط

می‌شود، درحالی‌که جنسیت به ویژگی‌ها و مشخصه‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد و تمایزات جنسیتی بین مرد و زن به انتظارات متفاوت جامعه از نقش‌های مرد و زن مرتبط است (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۱).

مفهوم زنانه‌نویسی، جنسیتی کردن ادبیات بر اساس تجربه و نگاه زنانه است؛ این سبک مصرانه می‌خواهد شکل، صدا و محتوایی زنانه و متفاوت با صدای مردان بیافریند و به بررسی اینکه چه مضامین و کاربردهایی خاص زبان زنان است و یا اینکه تفاوت‌هایی آوایی، واژگانی و نحوی زبان زنان و مردان چیست، می‌پردازد. این تفاوت‌ها معمولاً در میزان و بسامد عناصر زبانی خاص است، چنان‌که بسامد بالای عناصر زبانی خاص، مانند جملات کوتاه، به همراه عناصر دیگری که برچسب سخن زنانه دارند، باعث می‌شود که متن، زنانه محسوب گردد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۹۸-۴۰۲). «نوشتار زنانه بر نوشتار مردانه یا نوشتاری که نتیجه ساختار خودآگاه مردانه و پدرسالاری و سیطره مرد است، طغیان می‌کند و زنان باید ارزش‌ها، عادت‌ها و سنت‌هایی که در طول تاریخ بر آنها سیطره داشته را کنار بزنند؛ ارزش‌ها و سنت‌هایی که مانع از بیان احساسات درونی و ارائه جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی تحمیل شده بر ایشان، شده است» (المناصره، ۱۴۲۷: ۱). «نوشتار زنانه با موضوع زن و تلاش‌ها و دفاع از افکار وی در ارتباط است. نویسندگان فمینیست عواملی را که جامعه مرد سالار برای آزار و اذیت روحی و روانی و دوگانگی معیارها به کارگرفته اند، آشکار کردند» (رضا، ۲۰۱۶: ۷) با این وجود زمانی که یک زن می‌نویسد، ویژگی‌های متن زنانه را حفظ می‌کند و آنگاه که سکوت خود را می‌شکند گونه‌جدیدی از گفتمان خود را عرضه می‌کند (أبوالنجا، ۱۹۹۸: ۳۹).

لیکاف (Lakoff) با طرح نظریه سلطه، نابرابری در موقعیت و نقش‌های اجتماعی را موجب تفاوت در گونه‌های زبانی زنان و مردان می‌داند. او معتقد است زنان از آن‌رو که در اجتماع جایگاه فروتری دارند، زبان نازل‌تری به کار می‌گیرند (نیکویخت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۳). نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی زبان، معتقدند که زبان در شکل کنونی‌اش نه فقط مردانه، بلکه مردسالار است و به طور منظم و قاعده‌مند به سرکوب زنانگی دست زده است؛ ازاین‌رو، زنانگی در زبان امری سرکوب‌شده، به حاشیه‌رانده و فراموش شده است (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۳۸).

«برای زنانه شدن زبان، باید آنچه را زبان مردسالار به حاشیه رانده، به متن آورد و این چیزی جز روایت زنانگی (تن زن) نیست. بر طبق این نظریه، یک نوشته نمی‌تواند زنانه باشد، مگر اینکه با به رسمیت شناختن این موضوع (مذکر بودن زبان) برای نفی آن آشکارا تلاش کند» (بیسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

هلن سیکسو (Helen Cixous)، لوس ایریگاری (Luse Irigaray) و ژولیا کریستوا (Juli Kristeva) از نظریه پردازان سبک نوشتار زنانه به‌شمار می‌آیند. این نویسندگان که به شدت تحت تأثیر مکتب تحلیل روانی، ژاک لاکان (Jacques Lacan) و نیز شالوده‌شکنی (Deconstruction) ژاک

دریدا (Jacques Derrida) و اندیشمندان فرانسوی‌اند؛ با در نظر گرفتن زبان روان‌کاوی، سلسله-مراتب جنسیتی آن را واژگون کرده و تفاوت زبان زنان و مردان را دوباره ارزیابی کردند (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۵۳-۲۶۱).

منتقدان و نظریه‌پردازان نقد ادبی معتقدند: «حال که نمی‌توان وجود زبان و نوشتار زنانه را در کنار سایر گونه‌های زبانی پذیرفت، آیا مقبول نیست که به جای زبان زنانه از اصطلاح سبک نوشتاری زنانه، آن هم فقط در نوشتارهای ادبی استفاده کرد، سبکی که محصول زاویه دید و منظر خاص زنانه است و دربردارنده تجربیات و شیوه بیان زنان در درک و معنا دادن آنان به زندگی است؛ زیرا سبک در یک برداشت کلی، از نحوه اجرای زبان و بیان اندیشه توسط نویسنده به‌وجود می‌آید» (همان: ۱۰۲). با گذشت زمان زبان‌شناسان هر چه بیشتر در پی تحلیل تفاوت‌های زبانی زنان و مردان برآمدند؛ مطالعات جامعه‌شناسی نیز به مدد زبان‌شناسان آمد و نشان داد که زنان بیشتر از مردان نسبت به مقام و منزلت خود آگاه هستند. پژوهش‌های زبانی نیز بیانگر این بود که زنان نسبت به متغیرهای زبانی وابسته به طبقه اجتماعی، حساسیت بیشتری دارند. به عبارتی، زنان از ساختارهای کهنه‌تر، خالص‌تر و مؤدبانه‌تر زبان استفاده می‌کنند و در تلفظ کلمات، بیشتر از مردان از واج‌های معیار استفاده می‌کنند و از ناسزاهای ضعیف‌تری بهره می‌برند. زنان به قیدهایی که عواطف شدیدتری را بیان می‌کند علاقه بیشتری دارند و سریع‌تر از مردان صحبت می‌کنند (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۵).

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. ویژگی‌های سبک نوشتار زنانه

زبان زنانه دارای مشخصه‌هایی است که آن را از زبان مردانه متمایز می‌سازد. مشخصه‌هایی که ویژگی‌های زبان زنانه شمرده می‌شود، عبارتند از:

- زنان از پرسش‌های کوتاه پایان جملات زیاد استفاده می‌کنند که نشانه عدم اطمینان و وسوسه‌های زنانه است؛ مانند «این طور نیست؟»، «با من موافقی؟»، «می‌دانید که؟».

- زنان در گفتارشان از ضمائر أنا (من)، لی (برای من)، أنت / أنتِ (تو، مذکر / مؤنث)، لک / لکِ (برای تو، مذکر / مؤنث)، نحن (ما) و لنا (برای ما) بیشتر بهره می‌برند، که نشان‌دهنده تعامل و تداوم در گفتار است و بیشتر از مردان به سخن مخاطب توجه دارند.

- زنان از ترکیب‌هایی که طلب انجام کار دارد، کمتر استفاده می‌کنند و به اسلوب‌های مؤدبانه که طبع مخاطب را درگیر نمی‌کند مایل‌ترند؛ مانند «لطفاً در را ببند»، «اگر می‌شود این کار را انجام بده» و از اسلوب‌های گرم و صمیمانه بیشتر بهره می‌برند؛ مانند «عزیزم»، «نور چشمم». همچنین زنان از کلمات رکیک کمتر استفاده می‌کنند.

- زنان از ترکیب‌هایی که حاکی از شک و تردید است بیشتر استفاده می‌کنند؛ مانند «گمان می‌کنم»، «امکان دارد»، «تا جایی که من می‌دانم».

- زنان بیشتر از کلمات تشدیدکننده و مبالغه که تأکیدی بر فکر و اندیشه است، استفاده می‌کنند؛ مانند خیلی، همیشه، هرگز، به طور مطلق، کاملاً.

- زنان تأکید زیاد بر صفاتی که دال بر احساس و عاطفه است، دارند مانند زشت، باشکوه، زیبا، قشنگ، جذاب، لطیف، لذیذ، دلربا (رک: برهومة، ۲۰۰۲: ۱۲۷-۱۲۹).

- زنان واژگان سهل و ساده را بیشتر به کار می‌برند و مردان به واژگان سخت و پیچیده مایل‌ترند به این دلیل که زنان بر مخاطب تأثیر می‌گذارند و مردان می‌خواهند برتری خودشان را نشان دهند.

- زنان از کلمات توصیف رنگ بیشتر استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده زیبایی و آراستگی زنان است (همان: ۱۳۱-۱۳۳).

- زنان از دم سؤالی (پرسش کوتاه پایان جمله‌ها) زیاد استفاده می‌کنند. استفاده از دم‌سؤالی نشانه عدم اطمینان و وسوسه‌های زنان است (Fishman, 1975) به نقل از نیکویخت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

- زنان تمایل زیادی به پرسیدن دارند. آنها سه برابر مردان سؤال می‌کنند چنان‌که گاه مکالمه بین زن و مرد شبیه جلسات پرسش و پاسخ است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۰).

- زنان در ارتباط کلامی بیش از مردان از عوامل غیرزبانی (استفاده از اعضای بدن و لحن و آهنگ) بهره می‌گیرند (برهومة، ۲۰۰۲: ۱۴۳).

- زنان بیش از مردان از صورت‌های زبانی بیانگر استفاده می‌کنند. قید و صفت، بیانگر داوری عاطفی است. ولی اسم و فعل دارای دلالت عقلانی است. آنها از اشکالی که منتقل‌کننده ابهام است، استفاده می‌کنند. (Lakoff: 1990: 204) به نقل از صالحی‌نیا و رضوی، ۱۳۹۴: ۶۹).

### ۲-۳. خلاصهٔ رمان «مذکرات طبیبه»

رمان «مذکرات طبیبه» در شش بخش که درواقع دربردارندهٔ خاطرات نوال السعداوی است، از زبان نوال السعداوی و زاویهٔ دید اول شخص روایت می‌شود. (أبونضال، ۲۰۰۹: ۲۴). در ابتدای رمان تفاوت‌های بین خود و برادرش را بیان می‌کند و اعتراض صریح خویش را به این تفاوت‌ها با خارج شدن از منزل بدون اجازهٔ مادرش نشان می‌دهد. با زنانگی خود درگیر می‌شود و افکار و عقایدی که مادرش به وی تحمیل کرده را زیرپا می‌گذارد و صراحتاً بیان می‌کند، مانند وی نیست که از سنت‌های قدیم پیروی کند. قهرمان داستان (نوال السعداوی) بعد از تمام کردن دبیرستان، وارد دانشکدهٔ پزشکی می‌شود. او در بخش دوم رمان، زندگی پزشکی خود را به تصویر می‌کشد. علم در نظر وی، مساوات را بین زن و مرد برقرار می‌کند. در بخش سوم رمان، به روستایی کوچک نقل مکان کرده و زیبایی طبیعت آنجا را

توصيف مى‌کند. او در اين بخش دچار نوعى تشويش درونى مى‌شود و سعى دارد از آن دورى کند. در بخش چهارم، نوال براى نجات زنى بيمار به منزل وي مى‌رود؛ ولي او مى‌ميرد و باعث مى‌شود که نوال با پسر آن بيمار آشنا و عشق را با وي آغاز کند؛ اما بعد از ازدواج، همسر نوال به‌طور کامل تغيير مى‌کند و سعداوى متوجه مى‌شود که فريب او را خورده است. وي عقايد مردسالارى خود را به نوال تحميل مى‌کند که نشان از حس مالکيت وي بر زن دارد. بعد از شکست نوال در زندگى مشترک، وي تنهائى را انتخاب مى‌کند و از همسرش جدا مى‌شود. بخش پنجم اين رمان بيانگر زندگى نوال پس از جدا شدنش و نوع نگاه مردم به وي است که طلاق را امرى ناپسند مى‌دانند. در بخش ششم که بخش پايانى رمان است، سعداوى در جشنى حضور مى‌يابد و در آنجا با مردى آشنا مى‌شود که گفتگوهاى نوال با آن مرد نشان‌دهنده افکار فمينيستي وي است. رمان با انتخاب اين مرد به عنوان همسر دوم نوال پايان مى‌يابد.

#### ۲-۵. تحليل سبکى رمان «مذكرات طبيه»

در اين بخش، سبک رمان «مذكرات طبيه» در سطح واژگانى (کاربرد واژه‌ها) و دستورى (کاربرد جمله‌ها) بررسى و تحليل مى‌شود.

#### ۲-۵-۱. سطح واژگانى (کاربرد واژه‌ها)

اين سطح از تحليل بر چگونگى انتخاب واژگان تأکيد دارد. به عبارت ديگر، در اين بخش گزينش انگيزش‌دار (انتخاب‌گرى) مطرح است و بايد به اين پرسش پاسخ داد که نويسنده از رهگذر روابط جانشينى به گزينش چه واژه‌هاى پرداخته است و اين واژگان در نمايش منظومه فکرى نويسنده چه نقشى دارد (نيکوبخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۲). سعداوى از واژگانى زنانه در رمان خود استفاده کرده که خاص گفتمان زنانه است. دايره واژه‌هاى به‌کاررفته در رمان مذكرات طبيه حول محور خانواده، مسائل زنان و دلمشغولى‌هاى زنانه است. سعداوى براى نشان دادن زندگى تکرارى زنان و بيان عواطف و احساسات آنان از واژگانى خاص در اين زمينه استفاده کرده است. او سعى دارد تا صدای زنانه را در متن بازتاب دهد.

#### ۲-۵-۱-۱. واژه‌هاى متعلق به حوزه زنان

اکثر نوشته‌هاى نويسندگان زن-به‌ويژه نويسندگان فمينيست- با زبانى ساده و گویا، حس زنانه، روزمرگى و زندگى زنانه ايشان را به تصوير مى‌کشند و يکى از ويژگى‌هاى بارز اين آثار ساده‌گويى است. اين ويژگى که امکان ارتباط بهتر و بيشتى نويسنده را با مخاطب فراهم کرده، حاصل کاربرد

ساختارهای دستوری ساده، توصیف‌های راحت و نیز اقلام واژگانی عام و تکراری مناسب با فضا و ذهنیت زنانه است.

نوال سعداوی نیز به‌عنوان یک نویسنده و ناقد در حوزه نقد فمینیستی از این قاعده مستثنا نیست. دایره‌واژه‌های به‌کاررفته در رمان مذكرات طبییة، متناسب با شخصیت اصلی این رمان (نوال السعداوی) است. از آنجایی که نویسنده درباره فضای زندگی خود می‌نویسد، واژگان متعلق به این حوزه در رمان وی از بسامد بالایی برخوردار است. دایره‌واژه‌های به‌کاررفته در این زمینه عبارت‌اند از: دل‌مشغولی زنان درباره پخت‌وپز و تکرار واژگان این حوزه مانند یخچال، پیش‌بند، سینی، بشقاب، چای، کیک، فنجان، نان، خامه، کره، تخم‌مرغ و اسامی غذاها مانند سوپ و لباس‌هایی که زنان می‌پوشند مانند دامن از بسامد بالایی برخوردار است، که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود.

«لبستُ الفوطه ووقفْتُ في المطبخ... وصنعتُ كعكةً بالبيض واللبن ووضعتها في الفرن... وصنعتُ قالباً من الجيلي وضعته في الثلاجة...» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۹۹). پیش‌بند را پوشیدم و در آشپزخانه ایستادم و کیک را با تخم‌مرغ و شیر درست کردم و آن را در فر گذاشتم و قالب ژله درست کردم و آن را در یخچال گذاشتم.

«أتشربُ فنجاناً من الشاي؟ ... فتحتُ الفرنَ وأخرجتُ الكعكةَ وقطعتُ منها قطعةً ووضعتها في طبقٍ إلى جوار الشاي» (همان: ۱۰۰). یک فنجان چای می‌نوشی؟ فر را باز کردم و کیک را بیرون آوردم و تکه‌ای از آن را در بشقاب کنار فنجان چای گذاشتم.

«أخي يأخذُ قطعةً من اللحم أكبر من قطعتي ويأكلُ بسرعةٍ ويشرب الحساء بصوتٍ مسموعٍ» (همان: ۵). برادرم تکه گوشتی بزرگتر از گوشت من برمی‌داشت و سریع غذا می‌خورد و سوپ را با صدای بلند می‌خورد. «أنا إذا ما جلستُ وانحسرَ الرداءُ عن سنتيمترٍ من فخذي فإن أُمِّي ترشقني بنظرةٍ مخلبيةٍ حادةٍ» (همان: ۶-۵). وقتی که می‌نشستم و دامنم یک سانتیمتر بالاتر از زانو می‌رفت مادرم نگاه تیزش را به طرف من می‌انداخت.

«وجاء الرجلُ الرفي الطيبُ الساذجُ يحملُ صينيةَ الأكلِ... فطيرٌ مثلت وقشطةً وزبدةً وبيض...» (همان: ۴۶). مرد روستایی ساده‌پوش که سینی غذا در دست داشت و نان، خامه، کره و تخم‌مرغ در آن بود، آمد. «إنني لن أعيشُ حياتي في المطبخ أقشرُ البصلَ وأفصصُ الثومَ» (همان: ۲۰-۲۱). هرگز در آشپزخانه زندگی نخواهم کرد که سیر و پیاز پوست کنم.

«كنتُ أجلسُ في مكتبي وبين يدي كوبُ الينسون الدافئ» (همان: ۵۶). در مطبم نشسته بودم در حالی که در دستانم یک فنجان چای گرم بادیان بود.

زبان‌شناسان معتقدند زنان دقیق‌تر از مردان رنگ‌ها را تشخیص می‌دهند مانند قرمز، عنابی، پیازی، صورتی، بژ، فیروزه‌ای، بلوطی، شیری و... (برهومه، ۲۰۰۲: ۱۳۲). زنان به طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها توجه نشان می‌دهند و در نامیدن رنگ‌ها به جزئیات توجه بیشتری دارند. بسامد کاربرد واژه‌های توصیف رنگ در رمان «مذكرات طبيبه» گسترده است و تنوع زیادی دارد. این ویژگی به گونه‌ای است که نویسنده در توصیف هر چیز ابتدا رنگش را بیان می‌کند. کاربرد رنگ‌واژه‌ها در این رمان نشان‌دهنده جزئی‌نگری نویسنده است:

«سمعتُ أمي تقولُ لي: إرتدي الفستانَ اللبنيَ لتدخُلي وتسلمي على الصيْفِ الذي مع أبيك في الصالون» (السعداوى، ۱۹۹۹: ۱۱). شنیدم که مادرم به من گفت: لباس شیری‌رنگ را بپوش و داخل شو و به مهمانی که با پدرت در سالن نشسته سلام کن.

«امتدت نظراتي إلى الأفقِ البعيدِ وأخذتُ أراقبُ قرصَ الشمسِ الأحمرِ وهو يتسَلَّلُ من وراءِ السحبِ الرماديةِ الكثيفةِ» (همان: ۵۹). نگاهم به افق دوردست کشیده شد و خورشید قرمز رنگ را نظاره می‌کردم که از پشت ابرهای متراکم خاکستری نمایان شد.

«شعرُها طويلٌ ناعمٌ مصبوغٌ باللونِ الأحمرِ لكنه مغسولٌ بالفورمالينِ... أسنَّها بيضاءَ لامعةً وفي وسطها سنَّةٌ ذهبيةٌ حمراءُ لكن جذورَها صفراءُ... أظافُرُها طويلةٌ مدببةٌ مطليةٌ باللونِ الأحمرِ لكن منابتَها بيضاءُ...» (همان: ۲۶). موهایش بلند، لطیف و قرمز رنگ، که با فورمالین شسته شده بود. دندان‌هایش سفید و درخشان که بین آن یک دندان طلایی سرخ رنگ بود؛ اما ریشه دندان‌هایش زرد بود. ناخن‌هایش بلند و تیز و قرمز، اما جای رویش آنها سفید بود.

### ۳-۵-۲. کاربرد تشدیدکننده‌ها

زنان بیشتر از کلمات تشدیدکننده و مبالغه که تأکیدی بر فکر و اندیشه است، استفاده می‌کنند (برهومه، ۲۰۰۲: ۱۲۸). لیکاف معتقد است زنان به خاطر این که از دسترسی به قدرت در جامعه محروم شده‌اند، از استراتژی‌های زبانی دیگری برای ابراز و به دست آوردن جایگاه خود در اجتماع استفاده می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخوردهای مختلف، کاربرد تشدیدکننده‌ها به وسیله زنان نسبت به مردان بیشتر است و بنابراین تفاوت استفاده مردان و زنان از این استراتژی‌های زبانی را می‌توان به نقش‌های مختلفی که آنها در اجتماع دارند، نسبت داد (نجفی عرب و بهمنی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۳۲). یکی از ویژگی‌های زبانی در آثار زنان، کاربرد تشدیدکننده‌ها است. السعداوى برای بیان اندیشه‌های خود پیرامون زنانگی و تأکید بر آنها از کلمات تشدیدکننده استفاده کرده است. هدف وی از کاربرد این واژگان این بوده است که گفتار خود را مهم جلوه دهد و بار معنایی قوی‌تری به آن بدهد.

«بدأ الصراعُ بيني وبينَ أُنثوي مَبكرًا جدًّا» (السعداوى، ۱۹۹۹: ۵). درگیری بین خود و زنانگی‌ام خیلی

زود شروع شد.

«وأصبحتُ أفتشُ دائماً عن مواطنِ العجزِ لتعزيني عن ذلك العجزِ الذي تفرضه عليَّ أنوثتي» (همان: ۷). همیشه نقطه ضعف‌ها را جست‌وجو می‌کردم تا ناتوانی که زنانگی‌ام آن را بر من تحمیل کرده بود تسلی دهم. «أليس هذا عجباً؟ عجباً جداً؟» (همان: ۳۹). آیا این عجیب نیست؟ خیلی عجیب است. «قلتُ: إن آلامه عظيمةٌ حقاً» (همان: ۹۶). گفتم: به‌راستی دردهایش طاقت‌فرسا است.

#### ۴-۱-۵-۲. کاربرد ضمیرها

یکی از ویژگی‌های سبکی رمان نوال السعداوی کاربرد ضمیر است. ضمیر أنا (من) در رمان «مذکرات طبییة» از بسامد بالایی برخوردار است. «کاربرد ضمیر اول شخص (متکلم) در آثار زنان بدان معناست که زن به ذات و گوینده مستقلی تبدیل شده است و نیز دقیقاً بدان معناست که ضمیر اول شخص مفرد، مؤنث و زنانه شده است» (الغدامی، ۲۰۰۶: ۴۴). هدف نوال السعداوی از به‌کارگیری ضمیر أنا (من) در این رمان کشف فردیت و هویت زنانه خویش است.

«أخي يقصُّ شعره وبتركه حراً لايمشطه وأنا شعري يطول ويطول وتمشطه أُمي في اليوم مرتين» (السعداوي، ۱۹۹۹: ۵). برادرم موهایش کوتاه بود و آن را بدون شانه کردن، آزادانه رها می‌کرد و من موهایم روز به روز بلندتر می‌شد و مادرم روزی دو بار آنها را شانه می‌کرد.

«أخي يصحو من نومه ويتكُّ سريره كما هو وأنا عليَّ أن أرتب سريري وسريه أيضاً. أما أنا... لأنا بنت! عليَّ أن أراقب حركاتي وسكناتي» (همان: ۵). برادرم از خواب بیدار می‌شد و رخت‌خوابش را همان‌گونه نامرتب رها می‌کرد و من باید رخت‌خواب خودم و او را مرتب می‌کردم؛ اما من... چون من دخترم باید مراقب حرکت‌ها و رفتارم باشم.

«أنا حرة... حرة تماماً في عالمي هذا الصغير... أنا وحدي... وحدي تماماً... في بيتي...» (همان: ۷۳). من آزادم، کاملاً آزاد در این دنیای کوچکم. من تنها هستم، کاملاً تنها در خانه‌ام.<sup>۲</sup>

#### ۵-۱-۵-۲. کاربرد صفت‌ها

زنان صورت‌های زبانی بیانگر همچون قید و صفت که از قابلیت بیان‌کنندگی بیشتری در ابراز احساسات و عواطف برخوردار هستند را بیش از مردان به‌کار می‌برند. قید و صفت، بیانگر عواطف‌اند؛ ولی اسم و فعل حاوی دلالت عقلانی‌اند. بسامد قید و صفت در کلام زنان بیش از مردان است (Lakoff: 1990: 204 به نقل از فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۹۸). کاربرد صفت یکی از مشخصه‌های سبکی رمان «مذکرات طبییة» است. نیت سعداوی از به‌کار بردن صفت این بوده است که به‌طور دقیق توصیفات خود را نشان دهد. وی در وصف پدیده‌های طبیعی و اشیا و نوع نگاه افراد صفت‌های مخصوص به‌کار می‌برد که ناشی از جزئی‌نگری وی است و سعی دارد هر چیزی را درست و کامل توصیف کند. او در توصیفات خود با دقت بیشتری عمل کرده و از صفت‌های بیشتری استفاده کرده است.

«رأيتُ عينيها المتآكلين تتأملانَ البرعمينِ الجديدينِ البارزينِ وتُزهِمانِ» (السعداوى، ۱۹۹۹: ۱۱). چشمانش را که همچون دو جوانه تازه شکفته که آن را زینت داده بود، دیدم.

«رأيتُ وجهاً غريباً مخفياً له نظرةٌ مدققةٌ فاحصةٌ تشبه نظرةً جدتي» (همان: ۱۲). چهره‌ای ناآشنا و پنهان از او دیدم که نگاهی دقیق و جستجوگر داشت شبیه نگاه مادر بزرگم.

«جلستُ في شرفةٍ بيتي الريفي أنقلُ بصري من الحقولِ الخضراءِ الفسيحةِ الآمنةِ إلى السماءِ الزرقاءِ الصافيةِ» (همان: ۴۲). در بالکن خانه‌ی روستایی‌ام نشستم در حالی که نگاهم را از مزرعه‌های سبز رنگ به سمت آسمان صاف آبی چرخاندم (نگاهم را منتقل می‌کنم).

«فتحْتُ عيني ونظرتُ إليه عينا باهتتانِ ضللتانِ وكفه قاسيةٌ غليظةٌ» (همان: ۶۹). چشمانم را باز کردم و به چشمان رنگ‌پریده و حیران و دستان بی‌رحم و سنگین او نگریدم.

#### ۶-۱-۵-۲. کاربرد واژگان احساسی و عاطفی

کاربرد واژگان احساسی و عاطفی از دیگر ویژگی‌های سبکی زنان است. السعداوى سعی می‌کند تا احساسات و عواطف خود را از طریق واژگانی که خاص گفتمان زنانه است، بیان کند.

#### ۶-۱-۵-۲-۱. واژگان احساسی

زنان تأکید زیاد بر صفاتی که دال بر احساس و عاطفه است، دارند مانند: وحشتناک، زشت، باشکوه، زیبا، قشنگ، جذاب، لطیف، لذیذ، دلربا (برهومی، ۲۰۰۲: ۱۲۹). کاربرد واژگان احساسی یکی از ویژگی‌های سبکی رمان «مذكرات طبيبة» است. السعداوى از واژگان وحشتناک، جذاب و زیبا برای بیان احساس خود در برابر حوادث و توصیف طبیعت بیان می‌کند.

«ورأيتُ أمي تضحكُ في سعادة... وتعجبتُ كيف تقابلُ أمي هذا المرضَ الفظيخَ بتلكِ الابتسامةِ العريضةِ» (السعداوى، ۱۹۹۹: ۷). دیدم که مادرم با خوشحالی می‌خندید... و تعجب کردم که چگونه مادرم با لبانی خندان، با این بیماری وحشتناک برخورد می‌کند.

«أحسُّ بتلكِ الزرقةِ العميقةِ الفاتنةِ التي تغلفُ السماء... ولأول مرةٍ أرى لها وجهاً جميلاً ساحراً لا يفسد شي...» (همان: ۴۳). آبی تیره‌ی زیبایی که آسمان را پوشانده است، احساس می‌کنم... و برای اولین بار چهره‌ی زیبای خیره‌کننده‌ای که چیزی را فاسد نمی‌کند، می‌بینم.

«أول مرةٍ في حياتي أرى إنساناً يموتُ... وأول مرةٍ في حياتي أبكي...» هذا شيءٌ فظيخٌ! (همان: ۵۸). اولین بار در زندگی‌ام می‌بینم که انسانی می‌میرد... و برای اولین بار در زندگی‌ام گریه می‌کنم... این چیز دردناکی است!

#### ۶-۱-۵-۲-۲. واژگان عاطفی

بسامد واژگان عاطفی از خصیصه‌های سبکی آثار زنان است. کاربرد این واژگان در کنار شخصیت زن همنشینی خاصی ایجاد می‌کند و خاص گفتمان زنان است و لحن خاص زنانه دارد. سعداوی در رمان خود برای بیان احساس و عاطفه خود از واژه آه بیشتر استفاده کرده است که بار عاطفی فراوانی با خود دارد.

«أحسستُ أنني أختنقُ... شفتاي لا تتحركان وذراعاي لا تمتدان وعضلات قلبي لا تقبض... وعروقي لا تنبض بالدم... آه... لقد متُّ!» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۲۷). ترجمه: احساس کردم که دارم خفه می‌شوم... لبانم حرکت نمی‌کند و دستانم دراز نمی‌شد و عضله‌های قلبم و رگ‌هایم... آه... من مرده‌ام.

«فتحتُ فمي عن آخره وملأتُ صدري بهواء الشارع و تنفستُ... وحرکت ذراعي ورجلي وسرتُ وسط أمواج البشر... آه... ما أيسر الحياة حين يُمارسها الإنسان على سجيتها» (همان: ۲۷). دهانم را تا آخر باز کردم و سینه‌ام از هوای خیابان پر کردم و نفس کشیدم. دست و پایم را تکان دادم و به میان مردم رفتم. آه... زندگی چه آسان است هنگامی که انسان زندگی را همان گونه که هست می‌پذیرد.

«تلك الذراع النحيله الطويلة ممدودة في وجهي قابضة على مديّة حادّة تشرط عقلي وقلبي شطرين... آه... وأخفيتُ رأسي في صدره...» (همان: ۱۰۹). این داستان لاغر که بر چهره‌ام کشیده شده و گویا چاقوی تیزی در قبضه خود دارد که عقل و رگ‌های قلبم را می‌برد. آه... و سرم را در سینه‌اش فرو بردم.

## ۲-۵-۲. سطح دستوری (کاربرد جمله‌ها)

نویسندگان زن سعی می‌کنند تا از سبک نوشتار زنانه در نوشتارهای ادبی استفاده کنند و محرومیت‌ها، عواطف و احساسات زنان را به تصویر بکشند. آنها در داستان‌هایشان از جمله‌هایی که خاص گفتمان زنانه است و لحن زنانه دارد، استفاده می‌کنند. در این سطح، تأکید بر انتخاب الگوی جمله‌ها است. در سطح دستوری باید دقت کرد که چه جمله‌هایی در بردارنده عواطف و احساسات زنانه است. در رمان نوال السعداوی ویژگی‌هایی در ساختار جمله‌ها دیده می‌شود که مخصوص گفتار و نوشتار زنان است.

### ۲-۵-۲-۱. جمله‌های پرسشی

کاربرد جمله‌های پرسشی نشانه آن است که زنان سه برابر مردان سوال می‌کنند و قصد دارند شریک خود را وارد گفتگو کنند (آذری، ۱۳۹۱: ۳۳). هدف آنها از بیان این پرسش‌ها، بیان جزئیات و توضیحات بیشتر است. کاربرد جمله‌های پرسشی در داستان‌های زنان، نشان‌دهنده آن است که نویسنده قصد دارد تا نظر مخاطب را بفهمد. باوجود آنکه جمله‌های پرسشی در هر نوشته‌ای -خواه مردانه یا زنانه- کاربرد دارد؛ اما باید توجه داشت که کاربرد فراوان و پربسامد جمله‌های پرسشی از ویژگی‌های سبکی آثار زنان است. جمله‌های پرسشی در رمان «مذکرات طبییة»، در قالب حدیث‌نفس و مکالمه بین زن و مرد انعکاس یافته است.

### ۲-۵-۲-۱-۱. جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس

تک‌گویی یا حدیث‌نفس «گفتاری است که گوینده خطاب به دیگران یا به خود ادا می‌کند» (کادن، ۱۳۸۰: ۲۷۴). در واقع حدیث‌نفس «آن صحبت‌های یک‌نفره‌ای است که ممکن است مخاطب داشته باشد یا نداشته باشد» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۱۰). یکی از ویژگی‌های سبکی رمان السعداوی، کاربرد جمله‌های پرسش به شکل حدیث‌نفس است که اغلب با بسامد قیدها و تعدد جمله‌های پیرو و همراه است. این ویژگی ناشی از دل‌مشغولی‌ها و وسوسه‌های زنانه است. «زبان‌شناسان معتقدند زنان به دلیل گفتمان دیالکتیک و مکالمه‌گری، پرسش‌هایی را در پایان جملاتش مطرح می‌کنند تا نظر مخاطب را بفهمند و این حاکی از جنبه تأییدطلبی زنان است» (نیکویخت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

«هذا الشعرُ الطویلُ الثقیلُ... أذی أحمَلُهُ فوقَ رأسی فی کلِّ مکانٍ... یعطَلنی کلَّ صباح، ویرهقنی فی الحمام، ویلهبُ رقبتی فی الصبغِ... لماذا لا یكونُ قصیراً حراً کشعرِ أخی؟ لا یحمله فوقَ رأسه ولا یعطَله ولا یرهقه؟» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۱۲). ترجمه: این موهای بند و پرپشت که هر جایی روی سرم است هر صبح وقت مرا هدر می‌دهد و در حمام مرا به ستوه می‌آورد و گردنم را در تابستان می‌سوزاند. چرا مثل موهای برادرم کوتاه و رها نیست؟ که او روی سرش مو حمل نمی‌کند و وی را درگیر نکرده و به ستوه نمی‌آورد؟

«ولکنَّ أُمی تتحکَّم فی حیاتی ومستقبلی وجسدی حتی خُصَلاتِ شَعری... لماذا...؟ لأنَّها ولدتني؟ ولكنَّ أُمی فضل لها فی أنَّها ولدتني؟» (همان: ۱۴). ترجمه: اما مادرم بر امور زندگی، آینده، بدن و حتی بافت موهایم نیز حکم می‌کند. چرا؟ چون مرا به دنیا آورده است؟ اما اینکه مرا به دنیا آورده است چه برتری و فضیلتی برایش است؟

## ۲-۱-۲-۵-۲. جمله‌های پرسشی به شکل مکالمه بین زن و مرد

«زنان تمایل زیادی به سؤال کردن دارند و هدف آنها این است که شریک خود را وارد گفتگو کنند» (آذری، ۱۳۹۱: ۳۳). و اغلب مایلند سؤال‌های کوتاه بیشتری بپرسند. چنان‌که گاه مکالمه بین یک زن و مرد شبیه جلسات پرسش و پاسخ است. زنان برای بیان نظرات خود، کلمات بیشتری به کار می‌برند. این امر ناشی از میل آنها به شرح جزئیات و ارائه توضیح بیشتر است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۰). یکی دیگر از مشخصه‌های سبکی السعداوی مکالمه بین او و همسرش به گونه جلسات پرسش و پاسخ است. آنگاه که همسرش عقاید مردسالاری خود را به وی تحمیل می‌کند، السعداوی سعی دارد با بیان پرسش‌هایی از همسرش توضیح بیشتری بخواهد که چرا وی را منع می‌کند که حرفه خود را کنار بگذارد.

«- أنا الرجلُ. - ما معنی أنك الرجلُ؟ - إني صاحبُ السلطة. - أيُّ سلطة؟ - سلطةُ هذا البيتِ بكلِّ ما فيه حتى أنتِ. - ... اغلقتي العيادة. - والمرضى؟ والإنسانية التي ستظلم؟ - هناك أطباءٌ غيرُك. - والكلامُ الذي قلتَهُ لي؟ - لم أكن أعرفُ» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۶۸-۶۹). من مرد هستم. معنی این که تو مرد هستی چیست؟ من صاحب

سلطه‌ام. کدام سلطه؟ صاحب این خانه و آنچه در آن است حتی تو. مطب را ببند و بیماران را نبین (برای معالجه ملاقات نکن) و انسانی که مورد ظلم قرار خواهد گرفت؟ پزشکانی غیر از تو وجود دارد و سخنی که به من گفتی؟ نمی‌دانستم.

### ۲-۲-۲. جمله‌های تعجبی

زنان جمله‌های تعجبی و اعتراضی که متن را کامل نموده و احساسات مدنظر نویسنده را به خواننده منتقل می‌نمایند، بیشتر استفاده می‌کنند (برهومه، ۲۰۰۲: ۱۲۸). در رمان «مذکرات طبیبه» نوال السعداوی نیز، در راستای کاربرد جملات، عناصر و ساختارهای زبانی زنانه، جمله‌های تعجبی از بسامد قابل توجهی برخوردار است. نوال از این طریق ضمن انعکاس احساسات و عواطف زنانه خود، سعی در همسوسازی خواننده با این حس دارد. او حیرت و شگفتی خود را از آنچه می‌بیند و یا بر او می‌گذرد، با جمله‌های تعجبی مانند ما أقبیح، ما أضحل، ما أطفه و... بیان می‌کند:

«ما أقبیح الرجل من خارجه ومن داخله أشد قبحاً» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۲۵). درون و بیرون مرد چه زشت

است، خیلی زشت!

«ما أضحل مستقبل البنات وما أطفه ما يملأ عقول الرجال و عيونهم» (همان: ۲۶). آینده دختران و آنچه عقل و

چشم مردان را پر می‌کند، چه بی‌ارزش است!

### ۲-۲-۳. جمله‌های کوتاه و ساده

از آنجایی که برای زنان، چه گفتن در اولویت است تا چگونه گفتن، سبک نویسندگی زنان عموماً ساده و عاری از تصنع است و چندان به نوشتن نثرهایی با سبک جمله‌های پیچیده و بلند و تودرتو علاقه‌مند نیستند؛ لذا آنها از شیوه‌هایی بهره می‌گیرند که خواننده را مستقیماً مخاطب قرار می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۷ و ۴۱۴). ساده‌نویسی یکی از ویژگی‌های زبانی سبک نوشتاری السعداوی است. وی از کلمات و جملات ساده‌ای که برای همگان قابل فهم است استفاده می‌کند و چندان علاقه‌مند به استفاده از جمله‌های پیچیده و تودرتو نیست.

«سأنكرُ أنوثتي... سأتحدي طبيعتي... سأقاومُ كلَّ رغباتِ جسدي...» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۲۰). زنانگی‌ام را

انکار خواهم کرد... با سرشت و طبیعت مبارزه خواهم نمود... در برابر تمام رغبت‌ها، خواسته‌ها و تمایلات بدنم، مقاومت خواهم کرد...

«لأول مرة في حياتي أتأم... شعورٌ أليمٌ... ولكنه عميقٌ... عميقٌ...» (همان: ۴۸). برای اولین بار در

زندگی‌ام رنج می‌برم... احساسی دردآور... و اما بسیار عمیق.

«أعرفُ نظرةً عينيه... وأعرفُ نبرةً صوته... وأعرفُ شكلَ أصابعه... وأعرفُ دفءَ أنفاسه...» (همان: ۷۵). نگاه چشمانش را می‌شناسم... لحن صدایش را می‌شناسم... شکل انگشتانش را می‌شناسم... و گرمای نفس- هایش را می‌شناسم...

«تَرَكَتُ كُلَّ شَيْءٍ... تَرَكَتُ الْأَهْلَ وَالْأَصْدِقَاءَ... تَرَكَتُ الرِّجَالَ وَالنِّسَاءَ... تَرَكَتُ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ... تَرَكَتُ النَّوْمَ وَالْأَحْلَامَ...» (همان: ۸۴). همه چیز را رها کردم... خانواده و دوستان... مردان و زنان... غذا و نوشیدنی... خواب و رؤیا...

توصیف‌ها نیز در این رمان در قالب جمله‌های کوتاه و ساده و به سبک رئالیستی به کار می‌رود. این ویژگی وجه غالب سبک نگارش رمان‌های نوال السعداوی است. در بخشی از رمان، وی با استفاده از رنگ و اژه‌ها، جسد زنی را که در اتاق کالبدشکافی حضور دارد و مردی در کنارش ایستاده است به شکل جزء به جزء و با جملاتی کوتاه و ساده توصیف می‌کند:

«شعرها طویل ناعم مصبوغ باللون الأحمر لکنه مغسول بالفورمالین... أسناتها بيضاء لامعة وفي وسطها سنّة ذهبية حمراء لكن جذورها صفراء... أظافرها طويلة مدببة مطليّة باللون الأحمر لكن منابتها بيضاء...» (همان: ۲۶). موهایش بلند، لطیف و قرمز رنگ، که با فورمالین شسته شده بود. دندان‌هایش سفید و درخشان که بین آن یک دندان طلایی سرخ رنگ بود؛ اما ریشه دندان‌هایش زرد بود. ناخن‌هایش بلند و تیز و قرمز، اما جای رویش آنها سفید بود.

«والتفتُ إلى جاني فرأيتُ رجلاً واقفاً... رجلاً عادياً... يلبسُ ملابس عادياً... ويقفُ وقفةً عادياً... ليس قصيراً وليس طويلاً... ليس نحيلاً وليس بدنياً...» (همان: ۹۲-۹۳). به اطرافم نگاه کردم مردی ایستاده و عادی را دیدم که لباس‌های عادی پوشیده بود و عادی ایستاده بود، نه کوتاه بود نه بلند، نه لاغر بود و نه چاق.

#### ۴-۵-۲. جمله‌های ناتمام و سکوت در متن با استفاده از سه نقطه (...)

زنان در گفتگو، بیش از مردان تمایل به قطع کلام و تغییر مسیر گفتگو دارند. آنها چندان علاقه‌مند به ادامه و تکمیل بحث و انجام موضوع نیستند. به همین دلیل در سخن ایشان جمله‌های ناتمام با مکث و سکوت بیشتر است. در نوشتار زنانه مکث و سکوت در خلال سخن به صورت سه نقطه [...] نشان داده می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۸). سکوت بارزترین ویژگی زنانه رمان مذکرات طیبیه است و نشانه ابهام و عدم اطمینان السعداوی از بیان حقیقت‌ها است. وی با کاربرد سه نقطه، جملات را ناتمام رها می‌کند و در پایان آنها سکوت می‌کند:

«صرختُ أمي صرخةً عاليةً وناولتني صفةً حادةً على وجهي... ثم صفعات وصفعات... وأنا أقتُ كما أنا...» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۱۵). مادرم فریاد بلندی کشید و سیلی محکمی به صورتم زد... سپس سیلی پس از سیلی... و من ایستاده بودم همانگونه که بودم (لرزه و ترسی بر من حاکم نشد).

«سَاكُونُ طَبِيئَةً اِذْنَ... سَاَتَعَلَّمُ الطَّبَّ... وَسَاَضْعُ عَلٰى وَجْهِى نَظَارَةً بَيضَاءَ لَامِعَةً...» (همان: ۲۲). سپس پزشک خواهم شد... پزشکی را خواهم آموخت... و بر صورت‌م عینک سفید و درخشانی خواهم گذاشت...

### ۲-۵-۲. جمله‌ها و ترکیب‌های دربردارنده شک و تردید

زبان زنان دربردارنده ترکیب‌های شکلی است که نشان‌دهنده شک و تردید و احتمالات است؛ مانند گمان می‌کنم، احتمال دارد و ممکن است. آنها این کلمات را زیاد به کار می‌برند که نشانه عدم اطمینان و وسوسه‌های زنانه است (برهومه، ۲۰۰۲: ۱۲۷). سعداوی در سبک نوشتار خود از ترکیب‌هایی که در بردارنده شک و تردید است، استفاده می‌کند که این امر، نشانه عدم اطمینان و تردید و دودلی وی از اتفاقاتی است که رخ خواهد داد. وی حس عدم قطعیت و درنگ خود را به خواننده القا می‌کند و از اظهارنظرهای قطعی پرهیز می‌کند.

«لعلي ظننتُ أنّها ستعتفني وأنه لن يكونَ بيننا ذلك الود الذي يجعلني أحكي لها أسرارِي» (السعداوی، ۱۹۹۹: ۱۰).

شاید من گمان کردم که مرا سرزنش خواهد کرد در حالی که میان ما آن دوستی و صمیمیتی که باعث شود رازهایم را برایش بازگو کنم، حاصل نمی‌شود.

«قال: كنتُ أظنُّ أنّك لن تأتي. - لماذا؟ - كنتُ أظنُّ أنّك لا تتقينَ في بعد. - أنا لا أثقُ فيكَ بعدُ» (همان: ۷۹). گفت: گمان می‌کردم که هرگز بر نمی‌گردد. چرا؟ گمان می‌کردم بعد از این به من اعتماد نداری. من بعد از این به تو اعتماد ندارم.

### ۳. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، مهم‌ترین ویژگی‌های سبک نوشتار زنانه در رمان «مذکرات طَبِيئَةً» که در تولید معنا و القای زنانگی در متن نقش دارند، در دو سطح لغوی-واژگانی و نحوی نمود یافته است. در سطح واژگانی، مهم‌ترین ویژگی‌های سبک نوشتار زنانه در کاربرد صفت‌ها، ضمیرها، واژه‌های متعلق به حوزه زنان و رنگ‌واژه‌ها نمود بیشتری دارد و از آنجایی که سعداوی درباره فضای زندگی خود می‌نویسد، واژگان این حوزه از تنوع بسیاری برخوردار است و مناسب با فضا و ذهنیت زنانه است. واژگان مربوط به این حوزه، در مورد دل‌مشغولی‌های زنان درباره پخت و پز است. وی برای کشف فردیت و هویت زنانه خویش ضمیر «أنا» و «ی» (من) را به کار برده و کاربرد صفت‌ها ناشی از جزئی-نگری وی در ظاهر اشیاء است. وی به خوبی توانسته عواطف و احساسات خود را از دیدن پدیده‌های طبیعی و اشیاء پیرامون خود در قالب صفت‌ها نشان دهد. سعداوی برای توصیف زیبایی اشیاء پیرامون خود به رنگ آن توجه خاصی دارد و رنگ‌واژه‌ها در رمان وی گسترده است. در سطح دستوری، ویژگی‌های برجسته سبکی رمان «مذکرات طَبِيئَةً»، جملات کوتاه و ساده، جملات پرسشی در دو سطح

مونولوج و ديالوگ و جمله‌هاى ناتمام و سكوت در متن رمان با کاربرد سه نقطه است. سبک جمله‌هاى نوال ساده و عارى از تصنع است و چندان علاقه‌مند به کاربرد جمله‌هاى پيچيده و تودرتو نيست. همچنين جملات ناتمام و سكوت با سه نقطه نشان از عدم قطعيت كلام نويسنده دارد؛ امرى كه باعث شده نتواند با قاطعيت و اطمينان در برابر مشكلات تصميم بگيرد.

## المصادر والمراجع

### المصادر العربية

- أبو حاقه، أحمد وآخرون (٢٠٠٧م)، معجم النفائس الكبير، ط١، بيروت: دار النفائس.
- أوستر، بول (٢٠١٦م)، اختراع العزلة، ترجمة: أحمد العلي، الطبعة الأولى، الدمام (المملكة العربية السعودية): دار أثر للنشر والتوزيع.
- البستاني، بطرس (١٩٦٨م)، أدباء العرب في العصر العباسية، ط٦، بيروت: دار المكشوف ودار الثقافة.
- جماعة من كبار اللغويين العرب (١٩٨٩م)، المعجم العربي الأساسي، د. ط، تونس: لاروس والمنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم.
- حسين، طه (١٩٨٠م)، المجموعة الكاملة، د. ط، بيروت: الشركة العالمية للكتاب.
- السيوطي، عبد الرحمن (٢٠٠٧م)، الأشباه والنظائر في النحو، ط٢، بيروت، دارالكتب العلمية.
- الصافي، محمود (د.ت)، شوارذ الإعراب، د. ط، بيروت ودمشق: دار الفكر المعاصر ودار الفكر.
- ضيف شوقي (٢٠٠١م)، العصر العباسي الثاني، ط١٢، القاهرة: دارالمعارف.
- عباس، إحسان (٢٠٠١م)، تاريخ الأدب الأندلسي: عصر سيادة قرطبة، ط١، عمان (الأردن): دار الشروق.
- عبد القادر، أحمد عبد القادر (د.ت)، الإعراب الكامل للأدوات النحوية، د. ط، دمشق: دار قتيبة.
- عمر، أحمد مختار وآخرون (٢٠٠٨م)، معجم الصواب اللغوي، ط١، القاهرة: عالم الكتب.
- عمر، أحمد مختار وآخرون (٢٠٠٨م)، معجم اللغة العربية المعاصر، ط١، القاهرة: عالم الكتب.
- فروخ، عمر (١٩٨٥م)، معالم الأدب العربي، ط١، بيروت: دار العلم للملايين.
- لازار، جيلبر (٢٠١٣م)، قواعد اللغة الفارسية المعاصرة، ترجمة شاعر العامري، ط١، سمنان: جامعة سمنان.
- محفوظ، نجيب (١٤٢٧هـ - ٢٠٠٦م)، همس الجنون، الطبعة الأولى، القاهرة: دار الشروق.
- محفوظ، نجيب (٢٠٠٧)، مرامار، الطبعة الثانية، القاهرة: دار الشروق.
- مجموعة من الباحثين (٢٠٠٠)، المنجد في اللغة العربية المعاصرة، الطبعة الأولى، بيروت: دار المشرق.
- الوردى، علي (١٩٩٦م)، خوارق اللاشعور، الطبعة الثانية، لندن: دار الوراق للنشر.
- يعقوب، اميل بلديع (٢٠٠٤م)، المعجم المفصل في دقائق اللغة العربية، ط١، بيروت: دار الكتب العلمية.

### المصادر الفارسية

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹ش-۲۰۰۰م)، فرهنگ معاصر عربی فارسی، چ ۱، تهران: نشر نی.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۴۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیر کبیر.
- طباطبایی، علاء الدین (۱۳۹۵ش-۲۰۱۶م)، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، چ ۱، تهران: فرهنگ معاصر.
- نجفی، ابو الحسن (۱۳۷۲ش-۱۹۹۳م)، غلط نویسیم، چ ۵، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.



## أسلوب الكتابة النسائية في رواية مذكرات طيبة لنوال السعداوي

أم البنين باراني<sup>١</sup>، علي أصغر حبيبي<sup>٢</sup>، علي أكبر أحمدى تشناري<sup>٣</sup>

<sup>١</sup>ماجستير اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، زابل، إيران.

<sup>٢</sup>أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، زابل، إيران.

<sup>٣</sup>أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، زابل، إيران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	الكتابة النسوية هي نتيجة الرؤية النسوية الخاصة، وتهدف إلى دراسة الميزات اللغوية والموضوعية في آثار النساء الأدبية. إن النساء الكاتبات يسعين إلى تقديم الأدب النسوي مع ميزاته النسوية وذلك من خلال الإبداع في مجال الروايات النسائية وخلق الشخصيات النسوية. نوال السعداوي (١٩٣١-) بصفتها رائية نسوية أبدعت آثارا كثيرة ضمن نطاق الكتابة النسوية؛ منها رواية «مذكرات طيبة». فهي تحتج على النظام الأبوي المسفر عن التراث الاجتماعي والديني، وتسعى باستعمال ميزات اللغة النسوية إلى نشر الكتابة النسوية والدفاع عن مكانة المرأة الاجتماعية، والفكرية، والثقافية، والقانونية. الدراسة هذه وبالاعتماد على المنهج الوصفي-التفسيري، تستعرض رواية «مذكرات طيبة» من منظر الكتابة النسوية على المستوى اللغوي والنحوي. نتائج البحث تشير إلى أن الألوان، والمشدات، والمفردات الخاصة بالنساء أكثر استعمالا على المستوى اللغوي؛ وأما بالنسبة إلى العناصر الأسلوبية على المستوى النحوي فكانت جمل التعجب، والتراكيب المشتملة على الظن، والجمل المفتوحة غير المكتملة أكثر استعمالا من غيرها.
تاريخ الوصول: ١٤٤٥/١١/٠٦	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠١/٢٨	
الكلمات المفتاحية: الأسلوبية النسوية، الكتابة النسوية، نوال السعداوي، رواية مذكرات طيبة.	

الاقتباس: باراني، أ. حبيبي، ع.أ. أحمدى تشناري، ع.أ. (١٤٤٦). أسلوب الكتابة النسائية في رواية "مذكرات طيبة" لنوال السعداوي،

مقالة محكمة، السنة ١، العدد ١، صص ١٥٣-١٧٦. Doi: 10.22034/jisall.2024.202890



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

- عنوان البريد الإلكتروني (الكاتب المسؤول): ali\_habibi@uoz.ac.ir

تم إعداد هذه المقالة بدعم مالي من جامعة زابل بمنحة رقمها UOZ-GR0941

## **Women's Writing Style in the Novel *Mudhakkirāt Ṭabībah* (Memoirs of A Woman Doctor), By Nawal El Saadawi**

Umm al-Banin Barani, Master of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

Ali Asghar Habibi (corresponding author), Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran. E-mail: ali\_habibi@uoz.ac.ir

Ali Akbar Ahmadi Chenari, Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran.

### **Introduction**

Women's writing style is a product of their special perspective, and as one of the sub-branches of stylistics, it examines the structure of language and the factors affecting it in order to explain the differences between women's writing and men's writing. In their works, female writers beautifully depict the mental and emotional states of their characters, and with their feminine characteristics, they are able to change the verbal communication between people in both style and tone of language and feelings. As a feminist writer, Nawal El Saadawi (1931–2021), an Egyptian female writer, has created many critical and fictional works in a feminine style. An example of these works is the novel "*Mudhakkirāt Ṭabībah*". In this novel, she protests against the patriarchal system resulting from cultural, social, and religious traditions and tries to popularize women's writing and defend the social, intellectual, cultural, and legal status of women by using the characteristics of women's language. In this research, considering the importance of the issue of language and gender in contemporary research, it has been tried to investigate feminism at the level of vocabulary and grammar in the novel "*Mudhakkirāt Ṭabībah*" and to answer the question of which features of feminism's writing have a high frequency.

### **Methodology**

Considering the prominent role of Nawal El Saadawi in expressing women's issues, in this essay, an attempt is made to analyze the most important components of women's writing style in the novel "*Mudhakkirāt ṭabībah*" by relying on the descriptive-analytical method, and then analyze the data at the lexical and grammatical level by presenting examples of the text of the novel.

### **Results and Discussion**

At the beginning of their work, female writers, by preferring novels and using the language and writing specific to women, have more room to express their inner feelings, emotions, and women's experiences from everyday life, as

well as their concerns, limitations, and criticism of patriarchal society (Mohammadi and Ostovari, 2019: 1282). Nevertheless, when a woman writes, she preserves the characteristics of the female text, and when she breaks her silence, she presents a new type of discourse (Abolanja, 1998: 39). Female writing style examines the components of female language at the lexical and grammatical levels. The choice of words is one of the important elements that can highlight the writer's stylistic features (Fotouhi, 2011: 238). El Saadawi has used feminine vocabulary in her novel, which is specific to women's discourse, and with a simple and expressive language, she has depicted women's feelings, and their everyday lives. The use of adjectives, pronouns, and colors of words has a high frequency in the novel "Mudhakkirāt ṭabībah". The emotional vocabulary used in her novel is one of the stylistic features of women's works and carries a lot of emotional burden. El Saadawi has tried to depict women's emotions and feelings by using sentences that are specific to women's discourse. Using question sentences, exclamation sentences, unfinished sentences, and silence in her novel, she has depicted her feminine moods in her own feminine style.

### Conclusion

Among the Arab women intellectuals and writers, Nawal El Saadawi has a unique style due to her simplicity, directness, narrative, and female space creation. The findings of the research indicate that she seeks to address women's issues in her novel "Mudhakkirāt ṭabībah" and depicts the contrast between the worlds of women and men. By using the components of women's writing style at the lexical level, words belonging to women's field—adjectives, words, colors, and pronouns—have more expression, and she has been able to show the details that is a part of women's writing style. At the grammatical level, in line with the use of sentences and feminine language elements and structures, the use of interrogative sentences and short, simple, and incomplete sentences has a high frequency. She has depicted her emotions and feelings by using special sentences from women's writing. Her writing style is simple and free of artificiality, and by using combinations containing doubts, she shows insecurity and female temptations and instills a sense of uncertainty and hesitation in the reader.

**Keywords:** Feminist stylistics, women's writing style, Nawal El Saadawi, Mudhakkirāt Ṭabībah

### References

- Abunzaal, N. (2009). *Female gardens: Theoretical and practical studies in women's creativity*. Azmanah Lelanshar and Tawizi. {In Arabic}
- Al-Azizi, K. (2005). *The philosophical foundations of Western feminist thought* (N. Nizar, Ed.; 1st ed.). Besan Publishing. {In Arabic}

- Al-Ghazami, A. M. (2006). *Women and language* (3rd ed.). Arab Cultural Center. {In Arabic}
- Al-Manasara, H. (2006). *Feminism in culture and innovation: Scholar of modern literature*. (Original work published 1427 AH) {In Arabic}
- Al-Saadawi, N. (1999). *Physician's memoirs* (5th ed.). Dar al-Adab. {In Arabic}
- Al-Saadawi, N. (2002). *Women's issues, thoughts and politics* (1st ed.). Madbouli Library. {In Arabic}
- Amini, J. (2012). Acquaintance with the country of Egypt. *Special Journal of Egyptian Developments*, 2(11), 9–10. {In Persian}
- Fayyaz, E., & Derfi, Z. (2015). Women's voice in contemporary Iranian literature. *Women's Research*, 4(4), 23–50. {In Persian}
- Fishman, J. A. (1971). *Sociolinguistics: A brief introduction*. Newbury House.
- Hosseini, M. (2008). Female narration in female fiction. *Book of the Month of Literature and Philosophy*, 101, 94–101. {In Persian}
- Ibrahim, A. (2011). *Al-Sard al-Naswi al-Saqqah al-Abiya: Feminine divinity and the body* (1st ed.). Al-Arabaya Foundation for Studies and Publications. {In Arabic}
- Imran, S. (2011). *The book of my contemporaries: The announcement of modern Arabic prose* (1st ed.). Dar al-Katib al-Arabi. (Original work published 1432 AH) {In Arabic}
- Kaden, J.-A. (2001). *Descriptive culture of literature and criticism* (K. Firouzmand, Trans.). Shadgan. (Original work published in English) {In Persian}
- Lakoff, R. T. (1990). *Language and women's place*. Harper Colophon Books.
- Mirsadeghi, J. (1997). *Elements of story* (3rd ed.). Sokhan. {In Persian}
- Mohammadi, I., Chastity, F., & Haqdadi, A. R. (2011). Nawal Al-Saadawi and the literary genre of Naft's novel. *Contemporary World Literature Research*, 17(3), 21–35.
- Najafi Arab, M., & Bahmani Mutlaq, Y. (2013). The use of words in the novel *Shahzdeh Ehtjab* from the perspective of language and gender. *Specialized Quarterly for Analysis and Criticism of Persian Language and Literary Texts*, 20, 121–142. {In Persian}
- Najafi-Arab, M. (2014). *Language and gender in the novel*. Alam Danesh. {In Persian}
- Nikobakht, N., Desp, S. A., Bozor Begdali, S., & Munshizadeh, M. (2019). The process of formation of feminine style in the works of Zoya Pirzad: An analysis based on feminist stylistics. *Literary Review Quarterly*, 18(5), 119–152. {In Persian}

- Rashid Baali, H. (2006). Feminine criticism in the new Arabic Al-Khattab. *Al-Marafah*, 45(514), 57–79. (Original work published 1427 AH) {In Arabic}
- Reza, A. (2016). The feminist book from the foundation to the problem of the term. *Al-Academia for Social and Human Studies*, 15, 3–8.
- Salehinia, M., & Razavi, F. (2014). Women's language style in Taj-ul-Sultaneh memoirs. *Research Literature*, 31, 65–90. {In Persian}
- Sawaed, M. Y. (2013). *Al-Amraet in modern Arabic literature (Egyptian models)*. Dar Zahran Publishing. (Original work published 1434 AH) {In Arabic}
- Selden, R. (1998). *Modern literary theory* (J. Asfour, Trans.). Dar Quba. (Original work published in English) {In Arabic}
- Tahiri, Q. E. (2008). Women's language and writing: Reality or illusion. *Persian Language and Literature Quarterly*, 42, 87–107. {In Persian}
- Taie, R. (1976). Al-Maraat in the writings of Nawal Al-Saadawi. *Al-Merfa'a*, 145, 139–145. {In Arabic}
- Tang, R. (2008). *Criticism and commentary: A comprehensive introduction to feminist theories* (N. Najm-Iraqi, Trans.). Ni Publishing. (Original work published in English) {In Persian}
- Taslimi, A. (2008). *Literary criticism*. Kitab Ame. {In Persian}
- Verdanak, P. (2009). *Basics of stylistics* (M. Ghafari, Trans.). No Publication. (Original work published in English) {In Persian}
- Zidan, J. (2013). *Sources of Al-Nasa'i Al-Alam Al-Arabi Al-Hadith* (Vol. 1, 2nd ed.). Al-Mistesse Al-Arabiya for Studies and Publications. {In Arabic}